مجله‌ی علمی‌پژوهشی مطالعات ادبیات کودک دانشگاه شیراز
سال هفتم، شماره‌ی دوم، پاییز و زمستان ۹۵ (پیاپی ۱۴)

طنز و شیوه‌های طنزپردازی در داستان‌های کودک و نوجوان فرهاد حسن‌زاده

مریم خدابین* زهره میرحسینی زهرا اباذری*****
دانشگاه آزاد اسلامی ایران، واحد تهران شمال

چکیده

ادبیات کودک و نوجوان، گونه ی نوظهور ادبی است که در قرن حاضر به عنوان یک نحله ی مستقل مطرح شده است. نویسندگان و شاعران ادبیات کودک و نوجوان تلاش کرده‌اند تا آثاری خاصّ مخاطب کودک و نوجوان خلق کنند؛ آثاری که از نظر زبان و بیان و مضمون و محتوا، متناسب با زیبایی شناسیِ دریافت و دنیای کودک و نوجوان باشد. به واسطه ی شرایط سنی مخاطب کودک و نوجوان، تنوع، داشتن جاذبه و فضایی مفرح و پرکشش از الزامات این آثار به شمار می رود. یکی از عناصری که می تواند سازوکارهای مورد اشاره را در این آثار پدید آورد، طنز است. فرهاد حسن زاده از جمله شاعران و داستان‌نویسان طنزپردازی است که به این نوع ادبی توجه کرده و می‌توان طنز را یکی از عناصر برجسته و اثرگذار آثار او دانست. این تحقیق که به شیوه‌ی تحلیل محتوا صورت گرفته، به بررسی و تحلیل شیوه های طنزپردازی در مهم‌ترین آثار طنزآمیز فرهاد حسن‌زاده در حوزه‌ی ادبیات کودک و نوجوان می‌پردازد. بر اساس نتایج تحقیق، حسن زاده در طنزپردازی از شیوه هایی مانند طنز گفتاری، طنز موقعیت، بازی زبانی، نقیضه‌پردازی، اغراق، اسم مستعار، جناس، بذله‌گویی و لطیفه‌پردازی بهره برده و از این میان، طنز گفتاری و موقعیت درآثار او بسامد بیشتری دارد.

واژه‌های کلیدی: ادبیات کودک و نوجوان، شیوه‌های طنزپردازی، فرهاد حسن‌زاده.

۱. مقدمه

نگاهی گذرا به آثار ادبی به خوبی نشان می دهد که ادبیات فارسی، به‌طور کلی، از نظر طنز بسیار فقیر است. مقایسه‌ی کمّی و کیفی آثار طنزآمیزی که در طول تاریخ ادبیات

* کارشناس ارشد علم اطلاعات و دانش‌شناسی maryam.khodabin@yahoo.com (نویسنده‌ی مسئول)
** استادیار علم اطلاعات و دانش‌شناسی zmirhosseini@yahoo.com
*** دانشیار علم اطلاعات و دانش‌شناسی abazari391@yahoo.com

تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۱۱/۷ تاریخ پذیرش مقاله: ۹٤/۹/۱۸

Archive of SID
www.SID.ir

فارسی خلق شدهاند با حجم آثار منظوم و منثور تاریخ ادبیات، این کاستی را آشکارتر میسازد. به نسبت آثار ادبی، میتوان گفت که ادبیات طنزآمیز در طول تاریخ ادبیات فارسی وجود ندارد. در مقابل هزاران نام و چهرهای که به عنوان شاعر و نویسنده میشناسیم، شاعران و نویسندگان طنزپرداز ادبیات فارسی از تعداد انگشتان یک دست هم تجاوز نمیکند. تنها در دورهی مشروطه است که این گونهی ادبی مورد توجه قرار گرفته و آثاری خلق شده که در حیطهی طنز قرار میگیرد. این فقر تاریخی شامل ادبیات کودک و نوجوان هم میشود. با شکل گیری ادبیات کودک و نوجوان در ایران نیز طنز به شکل جدی مورد توجه قرار نگرفت. با مقایسه ی کمی و کیفی آثار طنزآمیز با گونههای ادبی دیگر در حوزهی ادبیات کودک و نوجوان این کاستی به روشنی آشکار میشود؛ این در حالی است که به نظر میرسد با توجه به نیاز گروه سنی کودک و نوجوان به فضای مطالعاتی، آموزشی و تربیتی شاد و مفرح، التفات و توجه به طنز باید در اولویت قرار داشته باشد؛ چراکه ادبیات کودک و نوجوان، آثار ادبی، هنری و علمی چندوجهی را شامل میشود که علاوه بر جنبهی سرگرمی و تفریح، از کارکرد آموزشی و تربیتی نیز برخوردارند و در نهایت به شکلگیری ذهنیت خلاق کودک و نوجوان کمک می کنند. برای کارکرد و اهداف ادبیات کودک و نوجوان موارد پانزدهگانهای مطرح شدهاست که مهمترین آنها عبارتند از: «برانگیختن ذوق و علاقهی کودک به مطالعهی آزاد، انتقال دانش درست دربارهی خویشتن، طبیعت، حوادث تاریخی و جهان، آشناساختن کودک با مسائل زندگی، کمک به بلوغ فکری کودک، کمک به رشد و تکامل شخصیت کودک، آشنایی کودک با فرهنگهای مختلف، کمک به بهداشت و سلامت روانی کودک و کمک به معلمان در امر آموزش و پرورش» (شعاریِنژاد، ۱۳۶۴: ۹۰و۹۱). با التفات به نقش ادبیات کودک و نوجوان به عنوان شکل غیررسمی آموزش و پرورش در کنار آموزش و پرورش رسمی، اهمیت این دسته آثار بیشتر نمود می یابد؛ اما این آثار باید برای کودک و نوجوان دارای جاذبه باشد و یکی از عناصری که به جذابیت ادبیات کودک و نوجوان میافزاید، طنز است. در ادبیات کودک و نوجوان امروز ایران، طنز به عنوان یک گونهی مستقل ادبی، به معنا و مفهوم امروزی، پیشینهای چندان طولانی ندارد. اگر از برخی طنزهای سطحی روزنامهای و شبهپاورقی های مجلهای بگذریم، تنها در سالهای اخیر (از دههی هفتاد به این سو) به نمونههایی از اشعار و داستان های طنزآمیز از نویسندگان و شاعران معاصر می رسیم که بهصورت جدّی در حیطهی طنز قرار میگیرند. در این میان، فرهاد حسنزاده در کنار تعدادی

Archive of SID

www.SID.ir

دیگر از شاعران و نویسندگان ادبیات کودک و نوجوان، سهم عمده ای در بلوغ طنز ادبیات کودک و نوجوان ایران دارد. نظر به اهمیت و جایگاه حسن زاده در طنز کودک و نوجوان ایران، در بخش اصلی این پژوهش، شیوه های طنزپردازی در مهم ترین آثار حسن‌زاده واکاوی شده است.

۲. پیشینه‌ی پژوهش

درباره‌ی کاربرد طنز در ادبیات کودکان و نوجوانان، پژوهش‌های چندانی صورت نگرفته و بیشتر پژوهش‌های انجام‌شده نیز به‌صورت بررسی موردی بوده که غالباً به آثار هوشنگ مرادی کرمانی اختصاص یافته است؛ چراکه بیشتر داستان‌های مرادی کرمانی بر بستری طنزآمیز شکل گرفته‌اند و از این روی بررسی کاربرد طنز در آن‌ها از مهم‌ترین محورهای پژوهش در این حوزه محسوب می‌شود. از پژوهش‌هایی که در این زمینه انجام‌شده می‌توان به پژوهش سلاجقه (۱۳۸۰) در قالب کتاب و حسام‌پور و همکارانش (۱۳۹۰) در قالب مقاله اشاره کرد. تنها پژوهشی که تاکنون در پیوند با موضوع طنز در داستان‌های کودک و نوجوان فرهاد حسن‌زاده منتشر شده، مقاله‌ی ادهمی (۱۳۹۴) است. در این مقاله گستره‌ی طنز و مطایبه و شگردهای آفرینش آن در آثار فرهاد حسن‌زاده با تأکید بر مجموعه‌کتاب‌های بررسی شده است. نویسنده‌ی مقاله، این مجموعه‌کتاب‌ها را تقلیدی طنزآمیز از مطبوعات جدی بزرگ‌سالان می‌داند که در آن شخصیت‌های کودک و نوجوان، در قالب هیئت‌تحریریه‌ی روزنامه، به بیان طنزآمیز مسائل کودکان و نوجوانان در جامعه‌ی امروز ایران می‌پردازند. به عقیده‌ی او زاویه‌دید متفاوت و کودکانه‌ی شخصیت‌های این داستان‌ها، آن‌ها را به آثاری جذاب و دوست‌داشتنی تبدیل ساخته است. بر اساس نتایج این بررسی، مجموعه‌کتاب‌های *روزنامه‌ستقی همشاگردی*، به دلیل ویژگی‌های مطبوعاتی‌شان، بیشتر بر طنزهای کلامی تکیه دارند؛ اما طنزهای موقعیتی هم در آن‌ها دیده می‌شود. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که یکی از دلایل برجستگی طنز حسن‌زاده در این مجموعه، به‌کارگیری طیف وسیع از شگردهای طنزآفرینی است که با ویژگی‌های سنی و ظرفیت‌های زبانی کودکان و نوجوانان متناسب است. نویسنده‌ی مقاله، این شگردها را در سه‌دسته‌ی عمده‌ی لطیفه، نقیضه و سایر شگردها جای داده‌است.

۳ . معرفی حسن‌زاده و آثارش

فرهاد حسن‌زاده متولد بیستم فروردین ۱۳۴۱ در شهر آبادان است. نوشتن را از سال‌های نوجوانی (۱۳۵۵) آغاز کرد. حسن زاده در ردیف نویسندگانی است که نوشتن را در

Archive of SID

www.SID.ir

ژانرها و گونههای مختلفی همچون: داستان کوتاه، بلند، رمان، افسانه، فانتزی، طنز و زندگینامه، برای گروههای سنی مختلف، از کودکان تا بزرگسالان تجربه کرده است.

حسن زاده نوشتن را به صورت جدّی از اواسط دههی پنجاه آغاز کرد. نخستین نوشتهی او، نمایشنامهای منظوم با عنوان *نفرین آهو* (۱۳۵۵) بود که در کانون پرورش فکری آبادان اجرا شد. با شروع جنگ تحمیلی، خانوادهی حسن زاده از آبادان کوچ کردند و مدتها در شهرهای مختلفی چون: اصفهان، شیراز، تهران، یزد، اندیمشک و... به سر بردند. در تمام این سال ها که فاصلهی ۱۳۵۹تا۱۳۶۸ را شامل میشود، او برای تأمین معاش خانواده در جاهای گوناگون کار کرده است. حسن زاده با پایان جنگ و از سال ۱۳۶۸ نوشتن را از سر گرفت و این بار به صورت جدّی وارد عرصه ی ادبیات کودک و نوجوان شد و در کنار همکاری با مطبوعات کودک و نوجوان (سروش نوجوان، سروش کودک، آفتاب گردان، کیهان بچه ها و...) نخستین کتابش را با عنوان *ماجرای روباه و زنبور* در سال ۱۳۷۰ منتشر کرد. از آن پس، او به عنوان نویسندهای حرفهای آثار مختلفی در حوزههای گوناگون (بیشتر کودک و نوجوان) نوشته و بیش از پنجاه کتاب منتشر کرده است که برخی از آن ها عبارتند از: *ماجرای روباره و زنبور* (۱۳۷۰الف)، *مار و پلّه* (۱۳۷۰ب)، *دفتر مهران، پر از نقاشی، پر از ترانه* (۱۳۷۲)، *ماشور در مه* (۱۳۷۳) ، *سمفونی حمّام* (۱۳۷۴)، *بزرگترین خط کش دنیا* (۱۳۷۵الف)، *گاه روشن، گاه تاریک* (۱۳۷۵ب)، *مهمان مهتاب* (۱۳۷۵پ)، *انگشت مجسمه* (۱۳۷۶الف)، *بیا آواز بخوانیم* (۱۳۷۶ب)، *آهنگی برای چهارشنبهها* (۱۳۷۷الف)، *امیرکبیر فقط اسم یک خیابان نیست* (۱۳۷۷ب)، *دارکوب و کرگدن* (۱۳۷۸الف)، *کلاغ کامپیوتر* (۱۳۷۸پ)، *نمکی و مار عینکی* (۱۳۷۸ت)، *هدیهی خیس* (۱۳۷۸ث)، *لولوی زیبای قصه گو* (۱۳۷۹)، *دولقمهی چرب و نرم* (۱۳۸۰الف)، *شکستنی* (۱۳۸۰پ)، *قصهی آقاجیرجیر* (۱۳۸۰ت)، *مردهای که زنده شد* (۱۳۸۰ث)، *سفر بخیر سلطانسنجر* (۱۳۸۱الف)، *عشق و آینه* (۱۳۸۱ب)، *گزیدهی ادبیات معاصر؛ مجموعهداستان نوجوانان* (۱۳۸۱پ)، *حیاط خلوت* (۱۳۸۲الف)، *لبخندهای کشمشی (۱۳۸۲ب)*، *همان لنگه کفش بنفش* (۱۳۸۲پ)، *هندوانه به شرط عشق* (۱۳۸۸ب) و *ایستگاه ۷* (بی تا).

حسن زاده در موضوعات مختلفی طبع آزمایی کرده است؛ برخی آثار داستانی او به موضوع دفاع مقدس اختصاص یافته و در چند کتاب نیز به زندگینامهی مشاهیر و بزرگان ایرانزمین پرداخته است. طنز کودک و نوجوان یکی از مهمترین حوزههای کاری اوست و از مهمترین کتابهایش در این حیطه میتوان از دورهی سه جلدی

Archive of SID

www.SID.ir

روزنامه‌ی سقفی همشاگردی نام برد. در طی این سال‌ها بیش از بیست جایزه از جشنواره‌های مختلف به آثار حسن زاده تعلق گرفته است. همچنین او به عنوان یکی از بیست نویسنده‌ی برتر در دوره‌ی بعد از انقلاب اسلامی انتخاب شده است.

۴. مهم‌ترین ویژگی‌های آثار فرهاد حسن‌زاده

فرهاد حسن‌زاده در آثار داستانی ادبیات کودک و نوجوان شیوه‌های خلاقانه‌ای را به کار می‌گیرد و همین شاخصه آثار او را از دیگر نویسندگان طنزپرداز کودک و نوجوان ایران متمایز می‌کند. هنر خلاقانه‌ی حسن‌زاده در این است که برخی قصه‌های تلخ و ظاهراً ناخوشایند را به اثری طنزآمیز بدل می کند و در این راستا غالباً از طنز کلامی بهره می‌برد؛ به عبارت دیگر، این هنر نویسنده است که از حادثه‌ای تلخ، روایتی طنزآمیز به دست می‌دهد و از تمام ظرفیت‌های قصه برای پیشبرد اهدافش استفاده می‌کند.

پاره‌ای از آثار حسن‌زاده در حیطه‌ی طنز کودک و نوجوان، داستانی و روایی‌اند و قصه‌ای خاص را روایت می‌کنند. فارغ از این که داستان در چه فضایی اتفاق می‌افتد یا چه حوادثی را شامل می‌شود، نویسنده در پی ارائه‌ی طنزآمیزترین شکل ممکن از روایت است؛ ازاین‌رو، در انتخاب قصه و روایت به دنبال داستان‌های طنز نیست. حسن‌زاده گاه روایتی ساده را در لفافه‌ای از شگردها و شیوه‌های طنزپردازانه چنان بیان می‌کند که در بدو امر آنچه بیشتر به چشم می‌آید، وجه طنزآمیز اثر است. برخی آثار او مانند *روزنامه سقفی همشاگردی* یک داستان و روایت خاص را بیان نمی‌کند. کتاب، مجموعه‌ی جُنگ‌مانندی است که از مطالب متعددی سامان یافته است؛ مطالبی که ظاهراً ارتباطی با هم ندارند؛ اما در مجموع قصه‌ی دانش‌آموزانی را تعریف می‌کند که یک روزنامه‌ی دیواری را اداره می‌کنند.

حسن‌زاده از جمله‌ی نویسندگانی است که به هنگام خلق اثر، به ویژگی‌های سنی مخاطب نیز توجه دارد؛ او داستان‌ها و روایت‌هایی را برمی‌گزیند که با دنیای کودکان و نوجوانان در ارتباط باشد یا هنگامی که از مسائل اجتماعی و معضلاتی چون فقر و اعتیاد می‌گوید، آن را از دریچه‌ی ذهن و زبان نوجوان بازگو می‌کند و می‌کوشد فقر را به عنوان یک معضل مطلق نبیند. در حقیقت در پس داستان و قصه، پیامی برای مخاطب کم سن و سال دارد مبنی بر این که فقر نمی تواند عنصری بازدارنده در مسیر پیشرفت و ترقی باشد و گاه، چنان‌که در داستان *سمفونی حمام* می‌بینیم، قصه‌ی یک خانواده‌ی ساده و ندار را روایت می‌کند؛ اما به خوبی نشان می‌دهد که لحظه‌به‌لحظه‌ی زندگی

Archive of SID

www.SID.ir

آن ها مملو از شوخی و خنده است؛ به عبارت دیگر، خنده و طنز به عنوان سلاحی کارآمد در برابر مشکلات معرفی می‌شود.

تعهد حسن‌زاده به مخاطب و ویژگی‌های روحی و روانی‌اش، در بیشتر داستان‌ها به چشم می‌آید. عموماً در طرح داستان‌ها و مطالب، به این نکته نیز توجه دارد که چه مطالبی برای کودک و نوجوان مناسب است. اگر در پاره‌ای آثار این خط قرمز نادیده گرفته می‌شود، در پرتو آن به طرح انتقاد می پردازد و نوعی آسیب شناسی را مدِنظر دارد؛ مثلاً در *عقرب های کشتی بمبک*، نوجوان قصه، از اعتیاد پدرش می گوید که هر شب مواد مخدر مصرف می کند و بی توجه به خانواده، فکر مواد و اعتیاد خودش است. شاید در بدو امر، طرح این موضوع در اثری که مخاطب آن، نوجوانان هستند، جالب به نظر نیاید؛ اما با در نظر گرفتن این موضوع که تعداد زیادی از نوجوانان این سرزمین درگیر اعتیاد پدرانشان هستند، پرداختن به این موضوع از منظری آسیب‌شناسانه ضروری به نظر می‌رسد.

علاوه بر موارد یادشده، مؤلفه‌های دیگری در آثار حسن‌زاده به چشم می‌آید که نشان از خلاقیتش دارد؛ به عنوان نمونه، در برخی داستان‌ها و کتاب‌های او ساختاری که برای اثر انتخاب می‌شود، الهام‌گرفته از قالب روزنامه‌ی دیواری است یا از ساختار وبلاگ و تارنما در اثر داستانی استفاده می‌شود که در ادامه به شرح آن‌ها می‌پردازیم.

۴. ۱. استفاده از قالب و ساختار روزنامه‌دیواری

روزنامه‌دیواری مدرسه، یکی از نخستین تریبون های بسیاری از نویسندگان و شاعران به شمار می رود و در کنار ساعت انشا، نقش عمده‌ای در کشف استعداد و پرورش خلاقیت دانش‌آموزان دارد. حسن‌زاده در مجموعه‌ی سه جلدی *روزنامه‌سقفی همشاگردی*، با استفاده از ساختار روزنامه‌دیواری مدرسه، تجربه‌ی تازه‌ای را رقم می‌زند. *روزنامه‌سقفی همشاگردی*، در واقع بازنویسی محتوای روزنامه دیواری است که بچه‌ها در مدرسه منتشر می‌کنند. این مجموعه‌ی کشکول‌مانند، دارای بخش‌هایی چون: شعر، داستان، ضرب‌المثل و سرمقاله است. ساختار کلّی کتاب هم برگرفته از ساختار روزنامه‌دیواری است و هر یک از مطالب، زیرِ عنوان یکی از بخش‌های روزنامه جای گرفته اند؛ مانند سرمقاله، شعرهای ناشیانه، تصویرها و تفسیرها، ایستگاه خاطرات، ساعت انشا و... . این عناوین در هر شماره تکرار می‌شود؛ یعنی در هر شماره‌ی روزنامه، سرمقاله، ایستگاه خاطرات و... ثابت است و مطالب نیز متناسب با عنوان انتخاب می‌شود؛ مثلاً سرمقاله بیشتر درباره‌ی خود روزنامه و مشکلات کاری نویسنده‌ها

Archive of SID

www.SID.ir

است. حسن زاده با استفاده از قالب روزنامه‌دیواری برای خلق یک اثر طنزآمیز، ضمن آن که ظرفیت‌های چنین ساختاری را در اثر خود به کار می‌بندد، به دانش‌آموزان نشان می‌دهد که در روزنامه‌دیواری مدرسه چه کارهای خلاقانه‌ای را می‌توانند انجام دهند و چگونه از این امکان برای پرورش خلاقیت خود و نیز نشان‌دادن آثارشان استفاده کنند.

کتاب *لطیفه، طنز، فکاهی؛ لطیفه‌های ورپریده* مجلد دیگری از *روزنامه سقفی همشاگردی* است؛ ولی این بار با نامی تازه معرفی شده است: لطیفه های ورپریده. ساختار این مجموعه نیز همچون *روزنامه سقفی همشاگردی*، ساختار مجله ای یا روزنامه‌ای است. کتاب در حقیقت شامل دوازده شماره از روزنامه دیواری بچه های مدرسه است. در آغاز هر شماره، فهرست مطالب آن شماره ذکر شده است؛ مثلاً در شماره ی اول، این مطالب به چشم می‌خورد: سرملاقه، نوآوری، مو از ماست، شعرهای ناشیانه و بگومگو.

۴- ۲. استفاده از قالب و ساختار وبلاگ (تارنما)

نخستین نکته‌ای که در داستان *این وبلاگ واگذار می‌شود* جلب توجه می کند، ساختار داستان است. داستان به بخش‌های مختلف تقسیم شده است و هر بخش در یک پستِ وبلاگ منتشر می‌شود. نویسنده دقیقاً تمام نکات ریز وبلاگ‌نویسی را رعایت می‌کند. زیر هر پست هم دیدگاه (کامنت) بازدیدگنندگان وبلاگ منتشر می شود؛ با همان کادربندی‌های معمول وبلاگ‌ها. نثر کتاب، نثر وبلاگی و امروزی است که با زبان به اصطلاح تلگرافی و اینترنتی شکل گرفته است. در مجموع، همین خصیصه ها و ساختار خلاقانه‌ی کتاب، آن را به اثری متمایز بدل کرده است؛ به عبارت دیگر، مهم‌ترین وجه خلاقانه‌ی داستان در ساختار نو و جدید آن نهفته است.

ساختاری که نویسنده برای ارائه‌ی داستان برگزیده، در عین نوآوری، امکانات تازه‌ای را برای طنزپردازی در اختیار مؤلف قرار می‌دهد. نویسنده با استفاده از ساختار وبلاگی، بخشی از مطالب را بیرون از متن داستان و در بخش دیدگاه خوانندگان وبلاگ بیان می‌کند. در حقیقت، نوعی داوری نسبت به داستان را همزمان با نگارش در اختیار مخاطب قرار می‌دهد. پاره‌ای از این دیدگاه‌ها، ربطی به داستان ندارند. در حقیقت این دیدگاه ها را بازدیدکنندگان وبلاگ نوشته اند که توجهی به مطالب وبلاگ ندارند و فقط آمده اند حرف شان را بگویند و بروند یا صاحب وبلاگ را به خواندن مطالب خویش دعوت کنند و همین بی‌ربط‌بودن دیدگاه‌ها ، طنز را پدید می‌آورد.

Archive of SID

www.SID.ir

داستان *این وبلاگ واگذار می‌شود* به بخش‌های مختلفی تقسیم شده و هر بخش، به عنوان یک پست وبلاگ به روزرسانی می شود. پست اول «مقدمه ای بر یک داستان خفن» نام دارد که در آن، درنا، نویسندهی وبلاگ، هدفش را از راهاندازی آن بیان می‌کند؛ وبلاگی با عنوان دسته‌کلید. بازدیدکننده‌ای با نام پاگنده می‌نویسد: «وبلاگ قشنگی داری. فقط اسمش یه کم ضایع است. آدمو یاد قفل و کلیدفروشی می‌اندازه. به من سر بزن و اگر خواستی لینکم کن تا لینکت کنم» (حسن زاده، ۱۳۹۲الف: ۹). در واقع هدف پاگنده، پیشنهاد لینک (پیوند) وبلاگ بوده و در ضمن خواسته چیزی بنویسد.

نویسنده با طرح این دیدگاه ها، ضمن نشاندن خنده بر لب مخاطب، به نوعی به آسیب‌شناسی فضای مجازی پرداخته است که در آن، گروهی از وبگردها فقط به دنبال بالابردن آمار بازدید وبلاگ خود هستند و هر جا که گذرشان بیفتد نظر می‌گذارند، بی‌آنکه مطالب وبلاگ را خوانده باشند. همچنین نویسنده با استفاده از برخی صفحات فضای مجازی، طنز بیرون از متن را قوت بخشیده است؛ مثلاً در صفحهی هفتاد کتاب، تمام صفحه به رنگ تیره درآمده و در وسط صفحه زیر علامت تعجب نوشته شده: «سرویس موقتاً در دسترس نمی‌باشد. لطفاً مجدداً امتحان کنید» (همان: ۷۰).

۵. شیوه‌های طنزپردازی در آثار فرهاد حسن‌زاده

فرهاد حسن‌زاده در آثاری که برای کودکان و نوجوانان نوشته و منتشر کرده، از شیوه‌ها و شگردهای مختلفی برای طنزپردازی بهره برده‌است و تناسب شیوه و شگرد طنزپردازی با زمینه‌ی داستانی، یکی از نقاط قوت آثار او به شمار می‌رود. این شگردها و شیوه‌ها، بسته به فضای کلّی اثر، ساختار روایی، شخصیت‌ها و رویدادهای داستان، تغییر می‌کند. در برخی داستان‌ها که زمینه‌ی روایی برای خلق طنز موقعیت فراهم نبوده، نویسنده بیشتر از طنز کلامی و بازی‌های زبانی بهره برده است. این شاخصه در داستان‌هایی که ظاهراً روایتی تلخ و اندوهناک را بیان می‌کنند، بیشتر دیده می‌شود. در حقیقت نویسنده در این‌گونه داستان‌ها، جای خالی طنز موقعیت را با طنز کلامی پر می‌کند.

مجموعه‌ی سه‌جلدی *روزنامه‌ستقفی همشاگردی*، به واسطه‌ی بهره‌گیری از قالب‌های گوناگون و تنوع موضوعاتی که در آن مطرح شده، از جمله آثاری است که در آن انواع شیوه‌های طنزپردازی به کار گرفته شده است؛ بذله گویی، بازی زبانی، طنز گفتاری، نقیضه‌پردازی یا پارودی و... از شگردهای پربسامد این مجموعه به شمار می‌رود. این

Archive of SID

www.SID.ir

رویّه در کتاب *لطیفه‌های ورپریده* که ادامه‌ی مجموعه‌ی *روزنامه‌سقفی همشاگردی* به شمار می‌رود نیز دنبال می‌شود.

در ادامه مهم‌ترین شیوه‌های طنزپردازی در آثار فرهاد حسن‌زاده، طرح و بررسی می‌شود. ضمن بیان این نکته که علاوه بر این موارد، شگردهای دیگری نیز در آثار او یافت می شود که چندان پرکاربرد نیستند و تنها در برخی آثار او به کار گرفته شده و در کلیّت آثار او تأثیر چندانی ندارند؛ ازاین رو، با توجه به محدودیت مقاله، کوشش شده تا مهم‌ترین شیوه‌های طنزپردازی در آثار این نویسنده بررسی و تحلیل شود.

۵- ۱. طنز گفتاری

طنز کلامی، مهم‌ترین و پربسامدترین مؤلفه‌ی داستان‌های طنز حسن‌زاده به شمار می‌رود. نویسنده در داستان‌هایی که ظاهراً فضایی غمگین و تلخ دارند، گفت‌وگوهایی را میان شخصیت‌های داستان به راه می‌اندازد که طنزآمیز است؛ به عبارت دیگر، در این آثار، گفتار طنزآمیزی که از زبان شخصیت‌ها، راوی و یا نویسنده‌ی داستان وارد متن می‌شود، سویه‌ی طنزآمیز اثر را شکل می‌دهد. این شاخصه در توصیفاتی که نویسنده از حالات و رفتار شخصیت‌ها ارائه می‌دهد، نیز مشاهده می‌شود که غالباً با کلماتی طنزآمیز همراه است. در داستان «سمفونی حمام» مادر در جواب بچه‌ها که می‌گویند ناهار چه کار کنیم؟ می‌گوید: «خب برایتان صابون پلو با سنگ پای قزوین درست می‌کنم با کمی سس شامپو، چطوره؟» (حسن‌زاده، ۱۳۷۴: ۲۲).

ماجرای داستان «سمفونی حمام»، تلخ و شاید اندوهناک است و در بدو امر پیونددادن این داستان به طنز کمی بدسلیقگی به نظر می‌آید؛ اما نویسنده با طرح داستان و به کارگیری شگردهای خاصّ خود، به گونه‌ای ناملموس و بسیار با ظرافت، این پیام را به مخاطب منتقل می‌کند که در هنگام گرفتاری و سختی‌ها هم می‌توان با رویکردی طنزآمیز، از تلخی ماجرا کاست و هر حادثه و پیشامد تلخی را به بهانه‌ای برای خوش‌بودن و لذت‌بردن از زندگی، به ویژه برای بچه‌ها، بدل کرد.

مجموعه‌ی سه جلدی *روزنامه‌سقفی همشاگردی*، داستان به معنی دقیق کلمه نیست؛ خط روایی مشخصی ندارد، به این معنی که از جایی شروع شود، ماجراهایی را از سر بگذراند و به جایی ختم شود. مطالب روزنامه در واقع این امکان را به نویسنده می‌دهد که بیشترین بهره را از طنز کلامی ببرد و ازاین‌رو، طنز گفتاری مهم‌ترین شیوه‌ی طنزپردازی در این کتاب به شمار می‌رود. اشتباه لپی و غلط های املایی یکی دیگر از

Archive of SID

www.SID.ir

امکانات طنز گفتاری در این اثر است که نویسنده عمداً آن‌ها را انتخاب می‌کند؛ یعنی نویسنده با علم به نادرست بودن واژه، برای طنزآمیزکردن مطالب از آن بهره می برد: «این دومین سرملاقه‌ی روزنامه‌سقفی ماست (یعنی ما است). ما هم سرملاقه‌هایمان را درست مثل سرمقاله‌های دیگر مطبوعات از ما بهتران می‌نویسیم» (حسن‌زاده، ۱۳۷۸ب: ۱۸).

فرهاد حسن‌زاده از آن دسته طنزنویسانی است که به طنز گفتاری به اندازه‌ی طنز موقعیت بها می‌دهد و حتی گاه طنز داستان‌هایش صرفاً با طنز کلامی، شکل می‌گیرد. طنزی که از چاشنی اغراق هم بی‌بهره نیست.

در رمان *عقرب های کشتی بمبک*، گاهی نوع نگاه و تحلیل نوجوان داستان از مسائل اجتماعی و سیاسی، به طنز می‌انجامد که همچنان طنز گفتاری در محور آن قرار دارد: «آقایی که قدش از نردبان ما بلندتر بود و موهایش وزوزی بود، رفته بود بالای بلندترین سنگ قبر و درباره‌ی ریشه‌کن‌کردن فقر هم خوب حرف‌هایی می‌زد. هی می‌گفت: ما می‌خواهیم فقر را ریشه‌کن کنیم. ما باید فقر را ریشه‌کن کنیم[۵]. اولش ازش خوشم نیامد. فکر کردم می‌خواهد ما را ریشه‌کن کند. فقیر بودیم دیگر، مگر نبودیم؟ بعد فهمیدم که خیال دارد سرمایه‌داری را از بیخ و بن بکند. من هم از سرمایه‌داری خوشم نمی‌آمد. به نظرم آدم‌های مزخرفی بودند. از این‌هایی که به جورابشان می‌گویند دنبالم نیا، بو می‌دی. یکی از همین سرمایه‌دارها باعث معتادشدن بابام شد و یک زمانی خیال داشتم انتقامش را بگیرم» (حسن‌زاده، ۱۳۸۸الف: ۴۶).

بخشی از طنز گفتاری *هندوانه به شرط عشق*، در مواجهه با ماشین به اصطلاح باکلاس خلق می‌شود؛ مانند اشتباه لپی یا جعل واژه‌ی تازه به جای کلمه‌ای که تلفظش دشوار است: «فوله... فوله... فول اتومکانیک! که البته منظورش فول اتوماتیک است» (حسن‌زاده، ۱۳۸۸ب: ۱۲).

بازی با کلمات و کاربرد اصطلاحاتی که معنایی خاص دارند در جایی که تناسبی با معنای اصطلاحی واژه ندارد، اغلب به طنز کلامی می‌انجامد؛ به عنوان نمونه در داستان *خاطرات خون‌آشام عاشق*، نویسنده از واژه‌ی درون‌گرا که اصطلاحی روان‌شناسی است و به معنی کسانی است که گوشه گیر و انزواطلب هستند، در متنی که هیچ ارتباطی با روان‌شناسی ندارد، به خوبی استفاده کرده، با واژگان بازی می‌کند و طنز کلامی به وجود می‌آورد: «نقشه‌ام این بود که از دماغش داخل شوم و ته حلقش را نیش بزنم که. این جوری بهتر بود. چون اصولاً من پشه‌ی درون‌گرایی هستم که. نیش‌های درونی را بهتر

Archive of SID

www.SID.ir

و بیشتر دوست دارم که. سه دور بالای سر و صورتش چرخیدم و شیرجه زدم توی دماغش» (حسن‌زاده، ۱۳۹۲ب: ۴۲).

دلیل تراشی برای وقایع، از زاویه‌ای که منطقی به نظر نمی‌رسد، طنز گفتاری (کلامی) به وجود می‌آورد: «ما خون‌آشام‌ها هر وقت سرفه‌مان می‌گیرد، عطسه می‌کنیم که ضایع نشویم که» (همان).

داستان *خاطرات خون‌آشام عاشق*، سرگذشت پشه‌ای است که تکیه کلامش «که» است. استفاده‌ی مدام پشه از «که»، در بعضی سطرها ملال‌آور است؛ اما در جاهایی که در حدّ متعادلی به کار گرفته شده، مایه ی طنز کلامی است. همچنین توصیفاتی که پشه از فضای داخل دماغ آب‌میوه‌فروش ارائه می‌دهد و تشبیهاتی که به کار می‌برد، طنز کلامی جالبی می‌آفریند. ضمن اینکه گاه تعبیرات و توصیفات پشه، بسیار چندش‌آور است.

ادامه‌ی جدال پشه در دماغ آب‌میوه‌فروش موقعیتی طنزآمیز خلق می‌کند؛ اما آنچه به این موقعیت وجه طنزآمیز می‌بخشد، کاربردهای زبانی است. تشبیه دماغ تودرتوی آب‌میوه‌فروش به تونل کندوان و کاربرد شعری از مولانا که شعری جدّی و فاخر است، عمق و بعد بیشتری به طنز کلامی اثر می‌بخشد: «هر چه زور داشتم توی پاها و بال‌هایم جمع کردم، موج سوم دودهای مرگ‌زا داشت می‌آمد که خودم را تکان دادم و به سرعت رفتم طرف تونل جانبی که شبیه تونل کندوان بود که. تاریک و کمی زیاد باریک... ویژژژژژژ.. داشتم خفه می‌شدم که. داشتم با مرگ دست و پنجه نرم می‌کردم که. فکر کردم این قاتل لیاقت از درون نیش خوردن را ندارد که. فکر کردم از همان بیرون بهتر است که. به قول شاعر: ما درون را ننگریم و قال را/ ما برون را بنگریم و حال را» (همان).

برخی از طنزهای کلامی در این داستان، حاصل دستکاری مثل‌ها، کنایه‌ها و شعرهای معروف است: «ما مثل بعضی از این آدم‌ها نیستیم که نمک می‌خورند و نمکدان را هم می‌خورند که» (همان: ۵۶).

طنز گفتاری، مهم‌ترین شیوه‌ی طنزپردازی در کتاب *این وبلاگ واگذار می‌شود* است که هم در متن و هم در بخش دیدگاه‌های بازدیدکنندگان وبلاگ به چشم می‌خورد. یکی از شیوه‌های طنزسازی در این بخش، استفاده از لحن و زبان متفاوت است که بیشتر از تکیه کلام‌ها، اصطلاحات روزمره و کوچه‌بازاری جوانان و نوجوانان بهره می‌برد و ضمن آن از برخی شگردهای اینترنتی مثل تکرار حروف برای تأکید استفاده

Archive of SID

www.SID.ir

میکند: «جیگرتو! خودت میدونی که مـن خواننـدهی سـریش وبـلاگ قبلـیات بـودم. پستهات عاااااالی بـود. حـالا هـم مـیخـوام چترمـو بنـدازم ایـن جـا...» (حسـنزاده، ۱۳۹۲الف: ۹).

اشتباهات لپی یکی دیگر از ابزارهای نویسنده برای خلـق طنـز کلامـی در ایـن اثـر است: «زیلوتون کفیث بود، تمیزش کردم» (همان: ۱۰).

در این اثر نامگذاری آدمهای داستان نیز با نیمنگاهی به خلق طنـز کلامـی صـورت پذیرفته است. این شاخصه هم در شخصیتهـای داسـتان و هـم در انتخـاب نـام بـرای بازدیدکنندگان وبلاگ دیده میشود؛ مثلاً مرد پرندهفروش، قادرقناری نام دارد. اسم یکی از نظردهندگان وبلاگ، پاگنده است. دختری که دیدگاههای رمانتیـک دارد، سـوگل نـام دارد. قادرقناری هم برای تحقیر، زال را زالو صدا میزند.

۵- ۲. طنز موقعیت

موقعیت طنزآمیز در داستان «*سمفونی حمام*»، در پایان داستان پدیدار مـیشـود. پـدر از رستوران زرشکپلو با مرغ خریده و در راه سری به بازار میـوه زده و سـبزیخـوردن و میوه هم خریده، با غرور خاصّی بچه ها را به ناهار دعوت میکند و نوید پایان روزهـای سخت را می دهد: «بفرمایید این هم روزیِ شما سروران گرامی. بالاخره روزهای سخت تمام شد. از فردا مرغ و پلو و کوبیده و چلو و غیره و غیره نوش جـان مـیکنیـد. خـب حالا به افتخار من هورا بکشید» (حسنزاده، ۱۳۷۴: ۱۱). امـا همـهی خـانواده بـا دیـدن ساک حمام پیرزن و محتویات آن غافلگیر میشوند. پدر به جای غذایی که از رسـتوران خریده بود، ساک حمام پیرزن را اشتباهی برداشته و ناهـار خوشـمزه را در تاکسـی جـا گذاشته و ناگهان فضای خانه عوض میشود.

داستان «کش، فقط کش تنبان!» از مجموعـهی *لبخنـدهای کشمشـی یـک خـانوادهی خوشبخت*، روایتی از یک اتفـاق روزمـرهی خـانوادهای معمـولی اسـت و بـرای همـین میتواند برای مخاطب باورپذیر باشد. داستان تـا لحظـهی پایـانی، روالـی طبیعـی دارد و بیشتر بر واقعنمایی تکیه میکند؛ اما در پایان داسـتان و هنگـامیکـه مـیفهمنـد دسـتگاه کارتخوان فروشگاه خراب است، موقعیت طنزآمیز پدید میآیـد؛ پـدر منـوچهر از اداره کارت هدیه دریافت کرده است. منوچهر و پدرش برای خرید از روی کـارت هدیـه بـه فروشگاه میروند و هرچه را که در فروشگاه بوده به تعداد زیاد انتخاب مـیکننـد؛ ولـی موقعی کـه جلـوی صـندوق مـیرسـند، بـالای سـر صـندوقدار نوشـته شـده، دسـتگاه

Archive of SID

www.SID.ir

کارت‌خوان خراب است و آن‌ها جز کارت هدیه، پولی به همراه ندارند. انبوهی از اجناسی را که انتخاب کرده‌اند می‌گذارند و تنها یک بسته کش تنبان می‌خرند. نویسنده برای عمیق‌ترکردن جنبه‌ی طنز این صحنه، در خلال داستان برنامه‌ریزی کرده است و با خرید ده تا ده تا دستمال کاغذی و پودر رختشویی و...، زمینه‌ی خنده‌ی صحنه‌ی آخر را فراهم می‌کند. منوچهر و پدرش در کنار متصدی صندوق، چند سبد خرید پر از اجناس را می‌بینند و تازه می‌فهمند که همه‌ی این‌ها را آدم‌هایی مثل خودشان برداشته‌اند. بچه‌ها حرف راست را می‌گویند و مثل بزرگترها اهل مصلحت‌اندیشی و گاه دروغ نیستند و نمی‌دانند چه حرفی را چه جایی نباید گفت. مثل «سنبل» در داستان *هندوانه به شرط عشق* که نظر واقعی پدرش را نسبت به چراغ‌علی افشا می‌کند و موقعیت طنزآمیزی خلق می‌شود: «از مرامت خوشم میاد، چراغ‌علی‌جون! آقا چراغ‌علی می‌گوید: چاکریم دربست.' سنبل که بیدار شده، می‌گوید: بابا! دیشب مگه نمی‌گفتی آقاچراغ‌علی آدم بی‌مرامیه...! یکهو ماشین ساکت می‌شود، گمانم مامان نیشگونش گرفته و این در لغت‌نامه‌ی خانواده‌ی ما یعنی: صداتو ببُر بچه، گند زدی!» (حسن‌زاده، ۱۳۸۸ب: ۱۳).

تمامی تمهیدات داستانی برای خلق طنز موقعیت در صحنه ی آخر داستان *هندوانه به شرط عشق* است؛ چراغ‌علی و پدر خانواده با زیرشلواری سوار ماشین شده‌اند و اصرار خانواده هم بی‌فایده است. در میان راه، بنزین تمام کرده‌اند و چراغ‌علی و پدر خانواده با آفتابه‌ای در دست، کنار جاده ایستاده‌اند تا از ماشین‌های عبوری بنزین بگیرند.

در داستان *خاطرات خون‌آشام عاشق*، موقعیتی که پشه در آن گرفتار آمده، برای پشه ناگوار، اما برای مخاطب خنده‌دار است. پشه در داخل دماغ آب‌میوه‌فروش است به قصد انتقام؛ اما دماغ کثیف او خود دام است. در همین حین، آب‌میوه‌فروش سیگار هم می‌کشد و دودش را از راه دماغ بیرون می‌دهد: «اما دماغش خیلی ضایع بود که. هنوز هیچی نشده پاهایم در ماده‌ای لزج گیر کرد و مثل خرمگس توی گل گیر کردم که. داشتم پاهایم را تکان می‌دادم که یکهو دود غلیظی همه‌جا را پر کرد که. داشتم خفه می‌شدم که. گیج و منگ و سنگ و ناهماهنگ شدم و به سرفه افتادم: هپ... چی که'» (حسن‌زاده، ۱۳۹۲ب: ۵۳).

۵- ۳. اسم مستعار

نظریه‌پردازان طنز، اسم مستعار را به عنوان یکی از شاخصه‌های طنز و طنزپردازی مطرح کرده‌اند. معمولاً بیشتر نویسندگان و شاعران طنز، نام مستعار دارند و مطالب

Archive of SID

www.SID.ir

طنزشان را با امضای مستعار منتشر می‌کنند. «اسم مستعار به اسمی گفته می‌شود که نویسنده، هنرمند یا... به جای اسم واقعی خود می گذارد... طنزنویسان نیز برای نوشته‌های خود یک یا چند اسم مستعار برمی گزینند؛ مواردی که اغلب بامزه و خنده‌دار است» (اصلانی، ۱۳۹۰: ۱۷).

انتخاب نام برای نویسنده‌های *روزنامه‌سقفی همشاگردی*، امکان دیگری برای نویسنده است که با گزینش نام‌های طنزآمیز، زمینه را برای شوخی با این نام‌ها فراهم کند. «ورپریده» نام سردبیر روزنامه است. «روده‌دراز» نام شخصی است که بخش زنگ انشا را می‌نویسد و معمولاً روده‌درازی و چاپلوسی می‌کند. ملخ‌الشعرا، در تعریض به ملک‌الشعرا، نام شاعر روزنامه است. به همین ترتیب برای مسئول هر بخش، نامی ازاین‌دست انتخاب شده است.

هم‌چون دیگر مجلدهای *روزنامه‌سقفی همشاگردی*، همه‌ی نویسندگان مجلد *لطیفه، طنز، فکاهی؛ لطیفه‌های ورپریده* نیز اسم مستعار دارند. نام بیشتر نویسندگان همان نام‌های مستعار جلدهای قبلی است و چند شخصیت تازه نیز به آن اضافه شده است: خاله‌فندق، ذره‌بینی، عمّه‌مربا، خاله‌جیزه، فرج‌خالی‌بند، هوشی‌خان و... .

۵- ۴. نقیضه یا پارودی

نقیضه‌پردازی نوعی شبیه‌نویسی از آثار ادبی است که با رویکرد طنزآمیز صورت می پذیرد. «نقیضه یکی از انواع تقلیدهای طنزآمیز است. نقیضه یا پارودی را به سه دسته تقسیم کرده‌اند:

۱. نقیضه‌ی لفظی که در آن فقط با تغییر واژگان، متن تغییر می‌یابد.

۲. نقیضه‌ی صوری که در آن شیوه‌ی نگارش یا سبک شاعر و نویسنده عوض می‌شود.

۳. نقیضه‌ی درون‌مایه‌ای که در آن از محتوای اثر، تقلید طنزآمیز می‌شود» (اصلانی، ۱۳۸۵: ۲۲۹). همچنین نوع دیگری از نقیضه وجود دارد که در طنزنویسی کاربرد فراوان دارد و آن را نقیضه‌ی تضمین نامیده‌اند. این نوع از نقیضه تلفیقی است بین تضمین و نقیضه؛ بدین معنا که با استفاده از اشعار و ابیات معروف، کلمات قصار، ضرب‌المثل‌ها، کنایات و... طنز می‌سازیم. نقیضه را می‌توان نوعی نظیره‌پردازی برتر نامید و در برخی موارد نمی‌توان نقیضه را از نظیره متمایز کرد.

در جلد اول *روزنامه‌سقفی همشاگردی*، اختصاص‌دادن بخشی از روزنامه به شعرهای ناشیانه، زمینه را برای نقیضه‌پردازی فراهم کرده است. هر بار ملخ‌الشعرا با

Archive of SID

www.SID.ir

ناخنک‌زدن به شعری معروف، شعر تازه‌ای خلق می‌کند که طنز، محور آن است؛ مانند شعر معروف مولانا که ملخ‌الشعرا آن را به این روز درآوده است:

«روزها فکر من این است و همه شب سخنم — که چرا پسته و فندق به دندان شکنم
پسته خوب است و لی‌حیف‌درش چون چمدان — بسته است و نتوان پوست ز مغزش بکنم
نکنم رحم به دندان و فشارش بدهم — آن چنان محکم و سنگین که بلرزد بدنم»

(حسن‌زاده، ۱۳۷۸ب: ۱۱)

بخش شعرهای ناشیانه در جلد دوم *روزنامه سقفی همشاگردی* نیز این امکان را فراهم نموده تا تعدادی از نقیضه های ملخ الشعرا منتشر شود. «مثنوی تابستانه» عنوان شعری است که به تأسی از مثنوی معروف نی‌نامه‌ی مولانا سروده شده است.

در این جلد بخشی از شعرهایی که دست مایه ی نقیضه‌پردازی قرار گرفته، شعرهای کودکانه‌ی معروفی هستند که معمولاً کودکان آن‌ها را از بردارند. نویسنده با این استدلال که شعر اصلی، درست سروده نشده، شکل درست آن را سروده است: «یه توپ دارم قل‌قلی نیست/ سرخ و سفید و آبی نیست/ می‌زنم زمین صدا میده/ سوراخه و هوا می ده/ من این توپو نداشتم/ پول از قلک برداشتم/ رفتم یکی خریدم/ نتیجه اش رو دیدم/ بابام به من کتک داد/ گریه کردم پفک داد» (حسن‌زاده، ۱۳۸۰ب: ۸۵).

نقیضه‌پردازی پای ثابت مطالب *روزنامه سقفی همشاگردی* است و این روال تقریباً در هر شماره‌ی لطیفه های ورپریده نیز ادامه می یابد. در این مجلد، ملخ‌الشعرا به حاشیه رانده شده و شاعران نوظهوری چون: عمه مربا و میرزاکوفته ی تبریزی و... جایش را گرفته‌اند. نقیضه در متن منثور نیز به کار گرفته می‌شود. فرهاد حسن‌زاده در *لطیفه‌های ورپریده*، نقیضه‌های منثور را به عنوان ستون ثابت برخی شماره‌های روزنامه‌سقفی گنجانده است. عنوان هر یک از این نقیضه های منثور که گاه با شعر هم همراه است، «حکایتی از...» نام دارد و در هر مطلب نام کتابی خیالی آمده است. همچون نوشتار زیر که با عنوان «حکایتی از اشارات فی فشارات» و به تقلید از حکایات قدیمی نوشته شده است. در این نوشتار، در واقع از سبک و شیوه‌ی نگارش حکایت‌نویسان قدیمی استفاده شده است. حتی به تقلید از همان شیوه، از شعر و نثر بهره‌برده و نیز برخی اختصاصات سبک خراسانی، مانند «ب» پیشوندی در آغاز فعل و استفاده از «همی» به جای «می»، را به کار برده است: «ابوحنیف لپ‌قرمزی کله چو قیف پاچه‌بزی، نویسنده و متفکر و شاعر و شاطر قرن اتم هجری در کتاب *اشارات فی فشارات* چنین نقل کرده که در روزگار خشکسالی، روزکی دخترکی زار و نزار و عینکی، رو به مادر خویش چنین

Archive of SID

www.SID.ir

گفتمان کرد: ای مادر! ننه جانا! مگر نه این است که مـی‌گوینـد آن چـه باعـث تحریـک اشتها شود سالاد است؟' مادر بگفت: بلی دخترکم، این گونه باشد.' دختر بگفـت: اگـر چنین است پس از چه روی هیچ گاه در سفرهی ما از این سالادها با سس مـایونز یافـت همی‌نگردد؟' مادر خندهای بکرد کشمشی و شاعرانه پاسخ داد:

'چـو در سـفره نباشـد لقمـهای نـان — نیـابی تـوی دیـس جوجـهی بریـان
نبینـی کاسـهای کشـک و بادمجـان — نشـانی هـم نیـابی از فسـنجان
بگـردم مـن فـدای قـد و بـالات — چگونـه یافـت مـی‌گـردد سـالات
تـو بـی سـالاد ایـن گونـه حریصـی — اگـر سـالاد یـابی کاسـه لیسـی'

(حسن‌زاده، ۱۳۸۱ت: ۴۹و ۵۰)

۵- ۵. بذله‌گویی

بذله گویی، نوعی بازی با کلمات است؛ بی آنکـه هـدفی جـز خندانـدن داشـته و پیـامی خاص در آن نهفته باشد. در مجموعه *روزنامه‌سقفی همشاگردی*، سـتون «حـرف‌هـای بی‌استخوان» ویژهی بذله‌گویی است: «برای اینکـه عمـرش سـپری شـود، سـپر اتومبیـل می فروخت. برای اینکه پول پیدا کند، همیشه سر به زیـر بـود. بـرای اینکـه در زنـدگی دلسرد نشود، هیچ وقت آب یخ نمی‌خورد» (حسن‌زاده، ۱۳۸۰ب: ۱۲).

۵- ۶. بازی زبانی

در جلـد دوم *روزنامـه‌سـقفی همشـاگردی* نویسـنده بـا اسـتفاده از سـاختار چیسـتان، پرسش‌هایی را مطرح می‌کند که نوعی بازی زبانی است: «مـی‌دانـیم کـه جمـع کلمـهی درس می‌شود دروس. آیا می‌توان گفت که جمع کلمهی خرس می‌شود خروس؟

الف. بله ب. خیر ج. نمی‌دانم د. یادم رفته» (همان: ۱۷).

در این اثر، بازی با کلمات و کنارهم نهادن اصطلاحات و واژگانی که ظاهراً ارتبـاطی با هم ندارنـد، مثـل اصـطلاحات سیاسـی در کنـار نـام خـوراکی‌هـا، ضـمن توجـه بـه سجع پردازی به گفتاری طنزآمیز منجر شده است: «اینجانـب ذره‌بینـی، متخصـص امـور ذره بینی و بیرون کشیدن مو از ماست، در پی درخواست جناح کمی مانده به راست، کـه شعارش حمایت از شیرینی حلواست، در پی تحقیقات فراوانی کـه در ده سـال گذشـته پیرامون دو کلمهی خربزه و بادمجان انجام دادهام، بالاخره به نوه و نتیجه‌هـایی رسـیده‌ام که به نظر منورتان می‌رسانم» (همان: ۱۴۸).

Archive of SID

www.SID.ir

شباهت و نزدیکی تلفظ برخی کلمات می تواند به عنوان عنصر طنزساز مورد استفاده قرار گیرد که نوعی بازی زبانی به شمار می‌رود؛ مثلاً آقای مدیر به بچه‌ها می‌گوید امسال هر کس نوآوری کند، جایزه می‌گیرد. هوشی، نوآوری را نُه آوری شنیده است: «هم‌شاگردی‌ها گفتند: تو که امسال گند زدی هوشی‌خان. هوشی گفت: اختیار دارید. شما نمی فهمید. شما هیچ کدامتان نُه آوری بلد نیستید'. گفتیم: این چرندیات چیه به هم می بافی؟' خودش را لوس کرد و گفت: یادتان هست آقای مدیر، اول سال، گفت امسال هر کس نُه‌آوری کند، جایزه می‌گیرد و با اینکه خیلی سخت بود، ولیَ من تلاش زیادی کردم تا همه‌ی نمره‌هایم ۹ شد'» (حسن‌زاده، ۱۳۸۱ت: ۱۶).

۵- ۷. اغراق

اغراق یکی از ابزارهای پرکاربرد طنز است؛ به ویژه هنگامی که پای اعداد و ارقام در میان باشد: «مامان تون هفتاد کیلو وزن داره که فقط شصت و نه کیلوش زبونه. اونم چه زبونی! هوف هوف هوف» (حسن‌زاده، ۱۳۸۲ب: ۳۴).

در داستان *این وبلاگ واگذار می‌شود*، نویسنده با استفاده از شهرت آبادانی‌ها به لاف‌زدن، در ارائه‌ی آمار و جایی که اعداد و ارقام در میان باشد، به خوبی اغراق را در طنزسازی با خصلت معروف آبادانی‌ها پیوند می زند: «لینکتو هم واسه‌ی یک میلیاردتا از همشهری‌های آبادانی فرستادم تا اونا هم مشتری بشن. البت یک میلیارد تا کمه. واسه‌ی آبادان و حومه‌اش فرستادم» (حسن‌زاده، ۱۳۹۲الف: ۹).

۵- ۸. جناس

«جناس در لغت به معنی هم‌جنس‌بودن و در اصطلاح ادبی دو واژه‌ی مشابه را با معانی متفاوت‌آوردن است. در کاربرد طنزآمیز، جناس حالت مبالغه‌آمیز، تصنعی و عمدی یا غیرعمدی پیدا می‌کند» (اصلانی، ۱۳۹۰: ۹۵).

در گفت‌وگوی زیر، کاربرد غیبت در دو معنی پشت سر کسی حرف‌زدن و حاضرنبودن جناس تام است که به ایجاد طنز انجامیده است: «گفتم: خوبه بابا غیبت نکن!' گفت: غیبت کدومه! فعلاً مامانته که غیبت کرده و تشریف برده خونه‌ی عمه‌خانومش'» (حسن‌زاده، ۱۳۸۲ب: ۳۵).

۵- ۹. لطیفه‌پردازی

قصه‌های کوتی کوتی، داستان‌های کوتاهی را شامل می‌شود که همه‌ی آن‌ها درباره‌ی هزار

Archive of SID

www.SID.ir

پایی به نام کوتی‌کوتی است. هر داستان بر یکی از نقاط قوت یا ضعف این هزارپا تأکید دارد که به صورت طنزآمیزی روایت شده است. بیشتر بخش های داستان کوتی کوتی که به طنز انجامیده، به تعداد زیاد پاهای این شخصیت معطوف است و از این رهگذر، لطیفه های شیرینی پدید آمده است: «کوتی کوتی جلو پایش را ندید و از روی شاخه درخت افتاد... و گفت: آخ پام... پام... پام... پام!» (حسن‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۴).

۶. نتیجه‌گیری

فرهاد حسن‌زاده یکی از موفق‌ترین نویسندگان ادبیات کودک و نوجوان ایران به شمار می‌رود که بخش مهمّی از آثار او به طنز کودک و نوجوان اختصاص یافته است. آثار طنزآمیز حسن زاده، با التفات به ویژگی های خاصّ مخاطب کودک و نوجوان، بیشتر به موضوعات، دغدغه‌ها و مسائل کودک و نوجوان می‌پردازد. در داستان‌های او از روایت‌های خارق‌العاده خبری نیست و بیشتر، روایتی واقع‌گرایانه را بیان می‌کنند؛ روایت‌هایی که در عین سادگی، به طرح برخی از مسائل مرتبط با کودکان و نوجوانان به شیوه‌ای باورپذیر و ملموس می‌پردازند.

طنز در آثار حسن‌زاده، در پیوند با موضوع و درون‌مایه‌ی اثر قرار دارد؛ یعنی شیوه‌ی طنزپردازی، به تناسب موضوع و پس‌زمینه‌ی روایی اثر، انتخاب می‌شود؛ ازاین‌رو، در برخی آثار که روایتی تلخ و ناگوار را بیان می‌کنند، نویسنده یا راوی با طنز گفتاری و زبانی، به تلطیف فضای داستانی می‌پردازد، یا در گفت وگوهایی که میان شخصیت های داستان جریان دارد، طنز گفتاری تعبیه می‌شود. در آثار گفت‌وگومحور که اتفاقات داستانی در حاشیه قرار دارند، بذله‌گویی و لطیفه‌پردازی سویه‌ی طنزآمیز اثر را تضمین می‌کند؛ در حقیقت، بذله‌گویی و لطیفه‌پردازی، بیرون از چارچوب روایی داستان و در گفت‌وگوهای شخصیت‌ها نمود می‌یابد. موقعیت طنزآمیز در داستان‌های حسن‌زاده، غالباً در صحنه‌ی پایانی داستان خلق می‌شود؛ گاه روایت به شکل عادی و معمولی پیش می‌رود و در صحنه‌ی پایانی، با استفاده از عنصر غافلگیری و تضاد، موقعیت طنزآمیز داستان شکل می‌گیرد و گاه این وضعیت در حین روایت اتفاق می‌افتد. در مجموع، فرهاد حسن‌زاده در طنزپردازی از شیوه‌هایی چون: طنز گفتاری، طنز موقعیت، بازی زبانی، نقیضه‌پردازی، اغراق، اسم مستعار، جناس، بذله‌گویی و لطیفه پردازی بهره برده است و از این میان، طنز گفتاری و طنز موقعیت در آثار او از بسامد بیشتری برخوردار است.

Archive of SID

www.SID.ir

منابع

ادهمی، حسین. (۱۳۹۴). «نگاهی به گستره‌ی طنز و مطایبه و شگردهای آفرینش آن در آثار فرهاد حسن‌زاده (با تأکید بر روزنامه‌سقفی همشاگردی)». *دوفصلنامه‌ی مطالعات ادبیات کودک*، د۶، ش۲، صص۷۳-۹۸.

اصلانی، محمدرضا. (۱۳۸۵). *فرهنگ واژگان و اصطلاحات طنز*. تهران: کاروان.

ـــــــــــ . (۱۳۹۰). *فرهنگ واژگان و اصطلاحات طنز*. تهران: قطره.

حسام‌پور، سعید و همکاران. (۱۳۹۰). «بررسی تکنیک‌های طنز و مطایبه در آثار هوشنگ مرادی کرمانی». *دوفصلنامه‌ی مطالعات ادبیات کودک*، د۲، ش۱، صص۶۱-۹۰.

حسن‌زاده، فرهاد. (۱۳۵۵). *نفرین آهو (نمایشنامه)*. آبادان: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

ـــــــــــ . (۱۳۷۰الف). *ماجرای روباه و زنبور*. تصویرگر: احمد علامه دهر، شیراز: راهگشا.

ـــــــــــ . (۱۳۷۰ب). *مار و پله*. تهران: سروش.

ـــــــــــ . (۱۳۷۲). *دفتر مهران، پر از نقاشی، پر از ترانه*. تصویرگر: محمدسعید تابنده، شیراز: راهگشا.

ـــــــــــ . (۱۳۷۳). *ماشور در مه*. تهران: سوره‌ی مهر.

ـــــــــــ . (۱۳۷۴). *سمفونی حمام*. تهران: قدیانی.

ـــــــــــ . (۱۳۷۵الف). *بزرگترین خط‌کش دنیا*. تهران: حوزه‌ی هنری.

ـــــــــــ . (۱۳۷۵ب). *گاه روشن، گاه تاریک؛ داستان بلند برای نوجوانان*. تهران: مدرسه.

ـــــــــــ . (۱۳۷۵پ). *مهمان مهتاب*. تهران: صریر.

ـــــــــــ . (۱۳۷۶الف). *انگشت مجسمه*. تهران: حوزه‌ی هنری.

ـــــــــــ . (۱۳۷۶ب). *بیا آواز بخوانیم*. تصویرگر: عادل رستم‌پور، شیراز: پریسا.

ـــــــــــ . (۱۳۷۷الف). *آهنگی برای چهارشنبه‌ها*. تهران: روزگار.

ـــــــــــ . (۱۳۷۷ب). *امیرکبیر فقط اسم یک خیابان نیست*. تهران: روزگار.

ـــــــــــ . (۱۳۷۸الف). *دارکوب و کرگدن*. تصویرگر: سعید بابایی. مشهد: شرکت به‌نشر.

ـــــــــــ . (۱۳۷۸ب). *روزنامه‌سقفی همشاگردی*.ج۱، تصویرگر: داوود صفری، تهران:افق.

ـــــــــــ . (۱۳۷۸پ). *کلاغ کامپیوتر*. تهران: سوره‌ی مهر.

ـــــــــــ . (۱۳۷۸ت). *نمکی و مار عینکی*. تهران: حوزه‌ی هنری.

Archive of SID

www.SID.ir

ـــــــــــــ . (۱۳۷۸ث). *هدیهی خسیس*. تصویرگر: ترانه نایینی، مشهد: شرکت بهنشر.
ـــــــــــــ . (۱۳۷۹). *لولوی زیبای قصه گو*. تصویرگر: سیمین شهروان، تهران: پیدایش.
ـــــــــــــ . (۱۳۸۰الف). *دو لقمهی چرب و نرم*. تصویرگر: شهرزاد شوشتریان، تهران: ویژهنشر.
ـــــــــــــ . (۱۳۸۰ب). *روزنامهستقفی همشاگردی*. ج۲. تصویرگر: ویدا لشگری فرهادی، تهران: افق.
ـــــــــــــ . (۱۳۸۰پ). *شکستنی*. تهران: مؤسسهی آفتاب اندیشه؛ کتابهای خورشیدخانم.
ـــــــــــــ . (۱۳۸۰ت). *قصهی آقاجیرجیر*. تصویرگر: رؤیا بیژنی، تهران: خانهی ادبیات.
ـــــــــــــ . (۱۳۸۰ث). *مردهای که زنده شد*. تهران: آفتاب اندیشه؛ کتابهای خورشیدخانم.
ـــــــــــــ . (۱۳۸۱الف). *سفر بخیر سلطانسنجر؛ مجموعهداستان طنز برای نوجوانان*. تهران: ذکر؛ کتابهای قاصدک.
ـــــــــــــ . (۱۳۸۱ب). *عشق و آینه؛ مجموعهداستان*. تهران: پیدایش.
ـــــــــــــ . (۱۳۸۱پ). *گزیدهی ادبیات معاصر؛ مجموعهداستان نوجوانان*. تهران: نیستان.
ـــــــــــــ . (۱۳۸۱ت). *لطیفه، طنز، فکاهی؛ لطیفههای ورپریده*. تصویرگر: حمید بهرامی، تهران: پیدایش.
ـــــــــــــ . (۱۳۸۲الف). *حیاط خلوت*. تهران: ققنوس.
ـــــــــــــ . (۱۳۸۲ب). *لبخندهای کشمشی یه خانوادهی خوشبخت*. تهران: چرخ و فلک.
ـــــــــــــ . (۱۳۸۲پ). *همان لنگه کفش بنفش*. تصویرگر: ماهنی تذهیبی، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
ـــــــــــــ . (۱۳۸۶). *قصههای کوتیکوتی*. تصویرگر: هدی حدادی، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
ـــــــــــــ . (۱۳۸۸الف). *عقربهای کشتی بمبک*. تهران: افق.
ـــــــــــــ . (۱۳۸۸ب). *هندوانه به شرط عشق*. تهران: چرخ و فلک.
ـــــــــــــ . (۱۳۹۲الف). *این وبلاگ واگذار میشود*. تهران: افق.
ـــــــــــــ . (۱۳۹۲ب). *خاطرات خونآشام عاشق*. تصویرگر: لاله ضیایی، تهران: چرخ و فلک.
ـــــــــــــ . (بیتا). *ایستگاه ۷*. بیجا.
سلاجقه، پروین. (۱۳۸۰). *صدای خطخوردن مشق*. تهران: معین.
شعاریnژاد، علیاکبر. (۱۳۶۴). *ادبیات کودکان*. تهران: اطلاعات.

Archive of SID

www.SID.ir